فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی
Human Sciences Research Journal
دوره چهارم، شماره ۲۹، پاییز ۱۳۹۹، صص ٥٦-۳۹ New Period 4, No 29, 2020, P 39-56
شماره شاپا (۲٤۷٦-۷۰۱۸) ISSN (2476-7018)

قواعد حاکم بر مسئولیت مدنی ناشی از فوت منافع ممکن الحصول

فرشته صادقی مرادحاصلی
دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول)
Fsadeghi975@gmail.com

چکیده

در حقوق ایران، اصل بر جبران خسارت می‌باشد. قوانین حقوقی با توجه منابع فقهی و نظرات فقها، درصورت فوت و یا تلف منافع با توجه به قاعده لاضرر، شخص تلف‌کننده را مسئول جبران خسارات وارده آمده می‌دانند. اما در این میان اختلاف نظراتی وجود دارد چرا که با توجه به تبصره ۲ ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی، خسارت ناشی از عدم‌النفع قابل مطالبه نیست. اما در خصوص عدم النفع و مافع ممکن‌الحصول باید قائل به تفکیک شد، لذا با توجه به این تفکیک می‌توان برای فوت منافع ممکن‌الحصول مسئولیت در نظر گرفت. در نتیجه پژوهش حاضر با این هدف به نگارش در آمده است که به بررسی مسئولیت ناشی از فوت منافع ممکن‌الحصول بپردازد. لذا با توجه به روش پژوهش به صورت توصیفی – تحلیلی و با بهره‌گیری از ابزار کتابخانه‌ای و مداقه در قوانین حقوقی و استناد به نظرات فقها به این نتیجه رسیدیم که دادگاه می‌تواند با توجه به تلف و از بین رفتن منافع ممکن‌الحصولی که مقتضی وجود آنها حصول یافته، شخص تلف‌کننده را مسئول جبران خسارات وارد آمده بداند و میزان زیان خسارت را با توجه به شرایط و اوضاع و احوال قرارداد تعیین کند.

واژه‌های کلیدی: مسئولیت مدنی، منافع ممکن الحصول، عدم النفع، قاعده لاضرر

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-06]

۱- مقدمه

منافع ممکن‌الحصول، منافعی هستند که مقتضی وجود آنها حاصل شده باشد؛ یا به سخن دیگر منظور منافعی است که امکان حصول آن در آینده محقق است و این امکان به گونه‌ای است که اگر مانعی حادث نمی‌شد با توجه به شرایط فعلی و مقدمات موجود، حصول نتیجه و کسب منفعت را در پی داشت. در قوانین حقوقی بحث خاصی در خصوص مسئولیت ناشی از منافع ممکن‌الحصول به میان نیامده تا جایی که تبصره ۲ ماده ۵۱۵ ق. آ. د. م نیز مقرر داشته است: «خسارت ناشی از عدم النفع قابل مطالبه نیست و خسارت تأخیر تأدیه در موارد قانونی قابل مطالبه می‌باشد.» اما این بدان منزله نیست که فوت منافع ممکن الحصول ضمان به دنبال نداشته باشد و شخص تلف‌کننده فاقد مسئولیت باشد. چرا که طبق آرای قضایی و نظریات قوه قضائیه فوت منافع ممکن‌الحصول مستوجب مسئولیت می‌باشد. بر طبق نظریه مشورتی شماره ۷/۱۱۰۸۱ م ۸۰/۱۱/۲۴ اداره حقوقی قوه قضائیه: «منافع ممکن‌الحصول منافعی هستند که مقتضی وجود آنها حاصل شده باشد. مانند درختانی که شکوفه دارند و این شکوفه‌ها مقتضی میوه دادن است و میوه منفعت درخت به شمار می‌آید چرا که به حکم عادت در آینده ایجاد می‌شوند و این‌گونه منافع را عرف و قانون در حکم موجود می‌داند و چنانچه کسی اینگونه منافع را تلف کند باید خسارت ناشی از این اقدام را جبران کند و آن را از این جهت منافع ممکن‌الحصول نامیده‌اند که قطعی الوصول نیست مثلا شکوفه‌های درختان در عرف مقتضی وجود میوه است اما ممکن است که طوفان و سرما آن ضایع کرده باشد، اما منافعی هستند که به احتمال در آینده ایجاد می‌شوند مثل فوت شدن منفعتی که از انجام به موقع یک تعهد می‌توانست حاصل شود مثلا خریدار آرد نتوانسته به موقع آن را تحویل بگیرد، شیرینی پخته و آن را بفروشد و حال شیرینی در بازار با نزول قیمت روبه رو شده است و از این جهت سود کمتری عاید خریدار می‌شود و قسمتی از این سود احتمالی از دست وی رفته است که این را عدم‌النفع می‌گویند یعنی مقتضی چنین منفعتی در عین وجود ندارد دشواری و دعوی عدم النفع در مشکل اثبات مسلم بودن منافع در صورت وفای به عهد است و نمی‌توان سیر متعارف امور را معیار احراز آن قرار داد قانون نیز عدم النفع را نمی‌پذیرد. چرا که در دید عرف مسلم نیست پس موضوع منافع ممکن‌الحصول و خسارت ناشی از عم‌النفع یکی نیستند و منافع ممکن‌الحصول حسب بند» ۲ ماده ۹ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری قابل مطالبه هستند.» حقوقدانان نیز مال تلف شده را مستوجب مسئولیت می‌دانند به طوری که اگر مالی توسط شخصی تلف گردید، دامنه الزام گیرنده تنها به تسلیم عین مال و پرداخت معادل آن محدود نمی‌شود؛ او ضامن منافع تلف شده عین نیز، تا زمانی که وجود دارد، هست و معیار ضمان او محروم ماندن مالک و رفع ضرر است نه استیفای از منافع. اگر گیرنده مالی که از راه ایفاء ناروا به دست آمده است، آن را عاطل

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-06]

گذارد، در برابر پرداخت‌کننده ضامن منافع فوت شده است.[۱] در بیان همین الزام گسترده است که ماده ۳۰۳ ق. م. اعلام می‌کند: «کسی که مالی را من غیرحق دریافت کرده است ضامن عین و منافع آن است اعم از اینکه به عدم استحقاق خود عالم باشد یا جاهل». از قسمت اخیر ماده، چنین اطلاق می‌شود که ضمان گیرنده، مطلق است و حتی قوه قاهره و یا حسن نیت گیرنده نیز، مسئولیت وی را زایل نمی‌کند.[۲] اطلاق ماده ۳۰۳ ق. م شامل ضمان هر دو نوع منافع (مستوفات و غیرمستوفات) می شود و هیچ فرقی میان متصرف عالم و جاهد نیست. ظاهر معیار ضمان در الزام به دادن بدل منافع، «محروم ماندن مالک و رفع ضرر» است، نه استیفاء فرد از منافع.[۳] در فقه نیز اغلب فقها در خصوص تلف و فوت منافع ممکن‌الحصول قائل به ضمان گردیده‌اند.[۴] لذا می‌توان اذعان داشت که در صورت تلف منافعی که مقتضای وجود آنها حتمی می باشد، شخص تلف‌کننده ضامن می‌باشد که در این مقاله به بررسی مسئولیت ناشی از فوت منافع ممکن الحصول پرداخته و به بررسی جوانب و زوایای مختلف آن خواهیم پرداخت.

۲- جایگاه منافع ممکن‌الحصول در قوانین حقوقی و فقهی

۲-۱- جایگاه منافع ممکن‌الحصول در قوانین حقوقی

از آنجا که منافع ممکن‌الحصول ممکن است در آینده تحقق پیدا کند، در نتیجه هر نفعی که احتمال دارد در آینده عاید شخص گردد، قابل مطالبه نیست؛ بلکه امکان حصول و دستیابی به آن منافع وجود دارد و در واقع محتمل‌الحصول نیست. این منافع همانند دو کفه‌ی مساوی ترازو می‌باشد به این صورت که به همان نسبت امکان تحقق دارند، به همان نسبت نیز امکان عدم تحقق را دارند. بنابراین بسته به این شرایط، زمانی که صحبت از تفویت منافع ممکن‌الحصول پیش می‌آید کفه‌ی عدم ایجاد نفع بر کفه‌ی تحقق و ایجاد منفعت سنگینی می‌کند که این امر با توجه به سیر عادی و متعارف امور حدس زده می‌شود. زمانی که سیر عادی و متعارف وجود منفعتی را محقق تلقی کند، آن نفع از دیدگاه حقوقی مسلم و محقق فرض می‌شود. منافع ممکن‌الحصول بر خلاف منافعی که فی‌الحال موجود هستند، صرفا جنبه‌ی انتظاری دارند و زمانی که فعل زیانبار به وقوع می‌پیوندد موجود نبوده در حالی که منافعی که به تبع عین مال فی الحال موجود است به علت این که همانند عین، مال محسوب می‌شود بدین جهت مثل دیگر اموال در ضامن شناختن عامل فوت آن تردیدی وجود ندارد.

---

۱. کاتوزیان، ناصر، الزام‌های خارج از قرارداد، مسئولیت مدنی، ج۲، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۳، ص ۴۴۳

۲. بیات، فرهاد، شرح جامع قانون مدنی، چاپ هفته، تهران، انتشارات ارشد، ۱۳۹۴، ص ۱۷۲

۳. کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی، وقایع حقوقی، چاپ دهم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۵، ص ۲۷۵

۴. محقق داماد، سید مصطفی، قلمرو مسئولیت مدنی ناشی از تخلف از اجرای تعهد، فصلنامه مفید، شماره ۳۳، ۱۳۸۱، ص ۵۹

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-06]

در مورد عدم‌النفع یا منافع ممکن‌الحصول، بایستی قائل به تفکیک شد، یعنی بعضی موارد مشمول منافع ممکن‌الحصول است و بعضی در شمول عدم‌النفع، به این معنی که اشخاصی بعضاً ممکن نیست بیکار باشند مثل خیاطی که هرگاه مانعی بروز نکند، هیچ گاه بیکار نمی‌گردد و می‌تواند از تمام ایام خود با اشتغال به کار، کسب درآمد کند. یا پزشک و جراح معروفی که هیچ‌گاه احتمال بیکار شدن او قابل تصور نیست. بنابراین در این مورد که اشخاص به علت واقعه مجرمانه و بروز صدمات بدنی، قادر به ادامه کار خود، مثل زمانی که سالم بوده‌اند نمی‌باشند، بایستی قائل شد که این موارد در شمول ممکن الحصول قرار می‌گیرند و بابت ایما بیکاری می‌توانند طرح دعوی نمایند. در صورتی که در مورد اشخاص بیکار ولی جویای کار که ممکن است، حتی در صورت عدم تحقق واقعه مجرمانه هم موفق به پیدا کردن کاروکسب درآمد نشوند، بایستی به عدم‌النفع قائل شد که در این موارد مطالبه خسارت منتفی خواهد بود. (نظریه مشورتی شماره ۷/۱۲۲۴۳ م ۱۳۷۹/۱۲/۲۱، اداره حقوقی قوه قضائیه)

نکته قابل ذکر دیگر این است که منافع ممکن‌الحصول بر خلاف منافع تفویت شده، در زمره‌ی ضررهای آینده محسوب می‌شود که در صورت جمع سایر ارکان مسؤلیت مدنی حکم به جبران آن صادر می‌شود. علت اینکه می‌گوییم منافع ممکن الحصول در زمره‌ی منافع آینده محسوب می‌شود، این می‌باشد که ممکن است ضرر ناشی از فعل زیانبار به لحاظ ظرف زمانی هنوز محقق نشده باشد بلکه در آینده واقع می‌شود ولی عرف هیچ شک و شبهه‌ای نسبت به ایجاد آن در نتیجه وقوع فعل زیانبار نداشته باشد. به عبارتی عرفا وجود و تحقق آن در آینده حتمی و مسلم است و چنین خسارتی قابل مطالبه است. بنابراین شخص از نفعی که قرار است در آینده به دست آورد، محروم می‌گردد. البته این منافع عادت قابل انتظار هستند.[۵]تصور نمایید شخصی اقدام به قطع درختان باربر باغی می‌نماید که هنوز زمان چیدن میوه آنها نشده و یا در نتیجه‌ی آب ندادن یا بستن آب بر روی آن باغ میوه‌هایش خشک می‌شود و از این جهت خسارتی متوجه صاحب آن می‌گردد. همانطور که ملاحظه می‌شود صلاحیت درختان به میوه‌های آن است که منافع درخت محسوب می‌شود و عدم میوه دادن آن به منزله‌ی تفویت منافع آن و از آنجایی که این میوه‌ها هنوز نرسیده اما امکان رسیدنشان فراهم بوده است و این خود به نوعی ضرر محسوب می‌شود که به فعلیت نرسیده است اما عرف وجود بالقوه آنها را بالفعل می‌داند؛ در واقع با گذشت زمان حاصل می‌گردند. عرف این گونه منافع را در حکم موجود می‌داند و حقوق هم که دنیای اعتبارات است به تبعیت از عرف وجود آنها را اعتبار کرده است (قوت بخشیده و به تبع همین وجود اعتباری، احکام منافع موجود من جمله جبران خسارت ناشی از تلف را نسبت به این دسته از منافع جاری کرده است به عبارتی از بین رفتن آنها در اثر فعل زیانبار (مسؤلیت قهری) و یا عدم انجام تعهد مسؤلیت قراردادی) در حکم تلف و قابل جبران است.

---

۱. شهیدی، مهدی، آثار قراردادها و تعهدات، حقوق مدنی، جلد سوم، چاپ هفتم، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۹۵، ص ۷۳

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-06]

همانطور که می‌دانیم این دسته از منافع به علت این که عرف موجود می‌باشند، مشمول ضابطه منفعت تفویت شده قرار گرفته و بر مبنای قانون مسؤلیت مدنی قابل جبران هستند. البته موکول شدن تشخیص این منافع به عرف کار ساده‌ای نیست؛ چرا که عرف برای اینکه تشخیص دهد منافعی که تقویت شده قابلیت جبران را دارد، شرایطی را باید در نظر بگیرد و در ابتدا احراز نماید که آیا مقتضی این منافع حاصل شده است و در صورتی که مقتضی آنها تمام و کامل شده باشد یعنی قرینه‌ای بر امکان حصول آن در آینده فراهم می‌باشد، ضرر به شمار می‌رود. ثانیا با گذشت زمان و سیر عادی امور و عدم وقوع فعل زیانبار، منافع مورد نظر به وجود می‌آیند. در این مواقع با جمع شدن شروط که در مباحث بعدی توضیح خواهیم داد، عرف این وضعیت را برای موجود دانستن منافع ممکن الحصول کافی می‌داند و وجود آنها را اعتبار می‌کند. اما اگر برخی از عوامل مانع از موجود شدن منافع گردند و موانعی بر سر راه منفعتی که مقتضی آنها موجود است وجود داشته باشد، عرف آنها را در حکم موجود نمی‌داند و قانون هم چنین نفعی را اعتبار نمی‌کند و جزء منافع غیر قابل جبران محسوب می‌شود.[۶]

در قوانین کیفزی نیز در خصوص ضمانت اجرای ناشی از تلف منافع ممکن الحصول، قانونگذار موادی به تصویب رسانده است. تا قبل از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در بند ۲ ماده ۹ این قانون خسارت ناشی از عدم‌النفع را پیش‌بینی نموده بود. اما عبارت منافع ممکن‌الحصول در ماده فوق، تا حدودی ابهام داشت و تفاسیر مختلف از آن در عمل اشکالاتی را بوجود می‌آورد. زیرا اگر اصطلاح ممکن‌الحصول را در مقابل ممتنع‌الحصول قرار دهیم دامنه این نوع ضرر و زیان به نحو غیرمعقولی گسترش می‌یابد و شامل مواردی هم می‌شود که هیچ فقیه یا حقوقدانی قائل به جبران آن نیستو اگر اصطلاح ممکن الحصول را در مقابل اصطلاح محقق الحصول قرار دهیم، توجیه فقهی ندارد.[۷]

اما ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ که جایگزین ماده ۹ قبلی گردیده است، این امکان را فراهم کرده که منافع ممکن‌الحصول قابل مطالبه باشد و با اشاره به منافع ممکن‌الحصولی که مدعی خصوصی بواسطه وقوع جرم در آن محروم شده آن را در ردیف ضرر و زیان قابل مطالبه آورده است.[۸]

مطابق ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، شاکی می‌تواند جبران تمام ضرر و زیان‌های مادی و معنوی ناشی از جرم را مطالبه نماید و تبصره ۱ این ماده، زیان معنوی را تعریف نموده است. برای تقویم

---

۱. عیسایی تفرشی، محمد، تفویت منفعت مالک، ضابطه ای برای جبران خسارت ناشی از نقض حق اختراع در حقوق ایران و آمریکا، مجله پژوهش های حقوق تطبیقی، شماره ۳، ۱۳۹۰، ص ۱۲۴

۲. حیاتی، علی عباس، آیین دادرس مدنی در نظم حقوقی کنونی، چاپ سوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۲، ص ۷۴۸

۳. مقدم، الهام، منافع ممکن الحصول و قطعی الحصول در حقوق ایران و فقه امامیه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر قدس، ۱۳۹۴، ص ۵۹

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-06]

خسارت مالی زیان معنوی، دادگاه می‌تواند با اخذ نظر کارشناس به نحوی که در تبصره ماده فوق آمده است اقدام نماید.» (نظریه مشورتی شماره ۷/۹۳/۱۰۴۸ م ۹۳/۵/۴ اداره حقوقی قوه قضائیه)

در صورتی که فوت منافع ممکن الحصول بر اثر ارتکاب جرم بوده و رابطه علیت بین جرم ارتکابی و نفی منافع برقرار باشد در این صورت بر طبق بند ۲ ماده ۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، مطالبه آن فاقد منع قانونی است. بنابراین اگر شخصی، به علت توقیف غیرقانونی از درآمد روزانه خود محرو گردد، مورد از مصادیق منافع ممکن‌الحصول بوده و قابل مطالبه خواهد بود. (نظریه مشورتی شماره ۷/۷۹۰۴ م ۱۳۸۳/۱۰/۲۱ اداره حقوقی قوه قضائیه.

نکته قابل ذکر دیگر این است که با توجه به نظریه مشورتی ۷/۷۶۴۵ م ۱۳۷۹/۸/۸ اداره حقوقی قوه قضائیه: «بند ۹ ماده ۸ ق. آ. د. ک منافع ممکن‌الحصول را قابل مطالبه می‌داند که بر اثر ارتکاب جرم، مدعی خصوصی از آن محروم و متضرر شده است در حالی که تبصره ۲ ماده ۵۱۵ ق. آ. د. م خسارت ناشی از عدم‌النفع را که بر اثر تأخیر در انجام تعهد یا عدم انجام متعهد ممکن است وارد شود قابل مطالبه نمی‌داند. این دو موضوع با هم فرق دارد و هرکدام در جای خود قابل اعمال بوده و ناسخ و منسوخ همدیگر نیستند.»

در ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، بر لزوم جبران تمام ضرر و زیان مادی، معنوی و منافع ممکن‌الحصول زیان دیده از جرم تأکید شده است. پذیرش لزوم جبران ضرر و زیان معنوی ناشی از جرم در راستای حمایت از بزه‌دیده امری پسندیده و مطلوب است.

به نظر برخی از حقوقدانان، محرو شدن شخصی از منافعی که عادتاً انتظار آن را دارد منافع فائته نامیده می‌شود این‌گونه منافع به هنگام وقوع فعل زیانبار اعم از ارتکاب جرم یا فعل نامشروع وجود ندارد و تحقق آن موکول به آینده است.[۹]

پس فوت منافع ممکن الحصول عبارتست از: «منافعی است که منشاء قانونی آن در هنگام وقوع جرم وجود داشته باشد یعنی دارای شرایط تحقق باشد یا به عبارت دیگر طبق روند عادی امور و عرف و عادت مسلم اینگونه منافع در آینده به وقوع می‌پیوسته است». البته باید دانست منظور از معلوم بودن حصول منافع معلومیت آن به علم عادی است، یعنی اگر موانعی پیش نمی‌آمد لازمه مقدمات موجود مستلزم حصول نتیجه است. نه علم قطعی و یقینی و غیرقابل تخلف پس قاضی در هر مورد بایستی با ملاحظه حال و وضع مالی و کسب استعداد و معلومات و بالاخره آمادگی مدعی خصوصی و منشاء منافع میزان ضرر و زیان وارده از این حیث را شخص یا به وسیله کارشناسی معلوم کند. فوت منافع ممکن‌الحصول ممکن است یا ناشی از عدم افزایش دارای مثبت باشد مانند عدم تحصیل درآمد توسط راننده یک کامیون بوقتی که شخص ثالثی از بحرکت درآوردن این کامیون جلوگیری کند یا ممکن است از طریق عدم کاهش دارایی منفی باشد. مثلا شما برای کار خود به اتومبیلتان نیازمندید و مجبورید برای ادامه دادن کار خود یک

۱. آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، ویراست پنجم، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۸، ص ۲۰۸

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-06]

اتومبیلی را اجاره کنید زیرا اتومبیلتان را که تعمیرگاه می‌بایست به شما تحویل بدهد در اثر تقصیر شخص ثالث آسیب‌دیده و تعمیرش طول کشیده است.

ماده ۲۴ قانون راجع به کارشناسان رسمی مصوب ۱۳۱۷ نیز در فرض به تعویق افتادن کارشناسی جبران تضیع وقت کارشناس را به عهده طرف متخلف قرار می‌دهد در واقع به نحوی بیانگر مسئولیت مدنی ناشی از محروم نمودن فرد از منافع ناشی از کار می‌باشد.[۱۰]

۱-۱-۲- قطعی بودن ضرر ناشی از فوت منافع ممکن‌الحصول

اگر ضرر و زیان وارده به علت فوت منافع ممکن‌الحصول و اتلاف منافع در میان باشد در این خصوص زمانی می‌توان طرح دعوی نمود که خسارت وارده مسلم‌الوقوع باشد؛ زیرا به صرف این که احتمال ورود زیان می‌رود نمی‌توان کسی را به جبران خسارت محکوم کرد که اثبات این امر در اتلاف منافع با مشکل چندانی مواجه نمی‌باشند اما در عدم‌النفع شخصی که ادعا دارد به او خسارت وارد شده باید ورود ضرر به خویش را اثبات نماید. اثبات ورود خسارت و میزان آن را قاضی با رجوع به عرف تعیین می‌نماید به هر حال شرایط این ضرر آن است که: «احترازناپذیر بوده و تحقق یافتن آن در آینده حتمی و یا دست کم به قدر کفایت باشد و از لحاظ حقوقی مسلم باشد.[۱۱]

برخی از حقوقدانان مشکل عمده را در این خصوص در تشخیص این منافع و تعیین حدود آن می‌داند.[۱۲] دامنه اعمال این قاعده نباید نامحدود بوده و شامل هر گونه منفعت فوت شده گردد بلکه باید محدود به منافعی شود که در زمان وقوع جرم منشاء قانونی آن وجود داشته باشد. هر چند ایشان منفعت فوت شده ناشی از وقوع جرم را مدنظر داشته اما با اندک دقتی می‌بینیم که این تعریف بر هرگونه منفعت فوت شده ممکن‌الحصول ناشی از فعل زیانبار اعم از این که فعل جرم باشد یا نه، تسری دارد. حقوقدانان دیگری در تعریفی که ارائه می‌دهد منافع ممکن الحصول را منافعی می‌داند که عادتاً انتظار آن در آینده وجود دارد.[۱۳] اگر خسارتی که در آینده و به طور احتمالی وارد می‌شود به نظر دادرس ادامه و نتیجه مسلم و مستقیم وضع فعلی زیان دیده باشد باید آن را حکم غارت مستقیم، کتونی و ملم به شمار آورد ضرر و زیانی که در دید عرف در آینده قابل پیش‌بینی می‌باشد در شمار خارات کنونی است و آن را نباید با کارتی که امکان ورود

---

۱. شیرویی، عبدالحسین، نقد و بررسی مقررات آیین دادرسی مدنی راجع به مطالبه خسارت قراردادی و تأخیر تأدیه، مجله مجتمع آموزشی قم، شماره ۹، ۱۳۸۰، ص ۲۷

۲. درودیان، حسنعلی، جزوه درس حقوق مدنی ۴، دوره کارنشاسی، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۵، ص ۶۶

۳. فقیه تخجیری، حسن، دعوی خصوصی در دادگاه جزا، رساله دکتری، دانشگاه تهران، ۱۳۷۴، ص ۱۳۱

۴. حائری شاه باغ، سید علی، اصول آیین دادرسی کیفری، چاپ اول، تهران، انتشارات توحید، ۱۳۲۴، ص ۵

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-06]

آن می‌رود مخلوط نمود. درباره خسارات وارده در گذشته تردید نیست و می‌توان تا حدودی به یقین رسید.

۲-۱-۲- امکان تحقق منافع در آینده

منفعت فائته ممکن‌الحصول که مورد ادعای شخص متضرر است باید در آینده محقق شود نه حال، به لحاظ این که اگر منفعت موجود باشد و مورد اتلاف واقع شود بحث اتلاف منفعت مطرح است لیکن منفعتی که در آینده قابل تحقق است موضوع منافع ممکن‌الحصول می‌باشد. مثلا اتلاف گندم‌های کشتزار که آماده درو می‌باشد اتلاف منفعت است ولی آتش زدن مزرعه گندم و سوزاندن گندم زاری که فعلا به باز ننشته و در آینده نزدیک به ثمر می‌رسد اتلاف منافع ممکن‌الحصول است زیرا قرار است در آینده منفعتی حاصل شود که زمان وقوع فعل زیانبار قانونی و مقدماتش فراهم شده است و حصول آن در آینده نزدیک قابل پیش‌بینی و تصور می‌باشد.[۱۴]

۳-۱-۲- قابلیت مطالبه ضرر و زیان بر طبق شرع

اشخاص در صورتی می‌توانند خسارت منافع فائته ممکن‌الحصول و تلف منفعت را بخواهند که به حق مشروع آنها لطمه وارد شده باشد یعنی چنانچه فردی خلافی مرتکب شده و توسط یکی از همسایه‌ها به پلیس معرفی و متعاقب آن محکوم و محبوس می‌شود نمی‌تواند منافع فوت شده‌اش در ایام توقیف را از همسایه مطالبه نماید، زیرا به حق مشروع او تجاوز نشده و این شخص به مجازات فعل ناشایست خویش رسیده و هیچکس جز خود او مقصر نیست.[۱۵]

۲-۲- جایگاه منافع ممکن الحصول در نظر فقها

برخی از فقهای شیعه من جمله مرحوم نائینی[۶]در کتاب منیهٔ الطالب و صاحب ریاض[۷]بر این عقیده هستند که وقتی موجبات و مقتضیات ضرر به طور کامل فراهم باشد منفعت ممکن‌الحصول تفویت گردیده و بر اساس قاعده «لاضرر»، ضرر ناشی از تفویت این منافع باید جبران شود.

به عقیده مرحوم نائینی منافع، چه اموال باشد، یا منافع انشان باشد، ایشان همانطور که گفته شد، این منافع را بر اساس قاعده لاضرر قابل جبران می‌داند و در ادامه می‌فرماید: «پس اگر مال یا عضوی از اعضاء انسانی صدمه بخورد یا ناقص شود یا شخصی بمیرد یا به آبرو او لطمه وارد اید، خواه این لطمه و آسیب با اراده

---

۱. خاتمی، فرید، الزامات و تعهدات قراردادی، چاپ اول، تهران، نشر نور علم، ۱۳۷۸، ص ۱۷۸

۲. کاظمی، محمود، نظریه از دست دادن فرصت در مسئولیت مدنی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۵۲، ۱۳۸۰، ص ۸۶

۳. نائینی، منیه الطالب، جلد ۲، قم، موسسه النشر الاسلامیه، ۱۴۱۳، ص ۱۹۸

۴. طباطبایی، سید علی، ریاض المسائل فی بیان احکام الشرع بالدلائل، جلد ۱۲، قم، موسسه آل بیت (ع)، ۱۴۰۴، ص ۱۸۶

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-06]

کسی وارد آمده باشد یا بدون اراده در همه این موارد ضرر وجود دارد بلکه بر حسب عرف از دست رفتن منافع ممکن‌الحصول در صورتی که موجبات و مقدمات آن کامل شده باشد ضرر محسوب می‌شود»، [۱۸] این عارف بلند مقام نظر بر ضرری، بودن منافع ممکن‌الحصول از دست رفته دارد ولی با این شرط که دارای شرایط تحقق و وجودی باشد و طبق روند عادی امور در آینده نه چندان دور این نفع بوجود آید.

به نظر برخی دیگر از فقها،[۱۹] منافع از فوت شده ممکن‌الحصول را چه از قبل انسان و چه از قبل اموال را قابل جبران می‌دانند و دلیل و استناد ایشان بر قاعده لاضرر است. لازم به ذکر است که ما از قاعده‌الاضرر بعنوان یکی از قواعدی که بوسیله آن منافع از دست رفته ناشی از جرم را قابل جبران می‌دانیم، ایشان در این باره می‌فرمایند: «شکالی در شمول قاعده بر احکام وجودی نیست اما بحث در شمولش در عدمیان است حاصل کلام این است آیا تمسک به قاعده لاضرر برای اثبات امور عدمی در مواردی که از فقدانش ضرر لازم آید بطوریکه عدم حکم مشتمل بر ضرر باشد جایز است برای مثال آنچه را که به خاطر عمل بازداشت کننده از کار محبوس، فوت می‌شود در این مثال محرومیت از کار امری ضرری است و از طرف دیگر این قاعده در هر دو مذهب شیعه و سنی مورد قبول قرار گرفته است و علاوه بر آن از حدیث لا ضرر معلوم می‌شود که همانا ضرری از ناحیه شارع نسبت به بعضی یا از ناحیه مکلفین بعضی نسبت به بعضی، نمی‌باشد پس ضرر مستند به شارع و مکلفین رد می‌شود.[۲۰]

به نظر برخی دیگر از فقها اگر کسی مال دیگری را غصب می‌کند بایستی علاوه بر منافع مستوفات، منافع غیرمستوفات آن را هم به مالباخته بدهد و در این مورد نزاعی را نمی‌بینند.[۲۱]

اما در مورد فوت منافع ممکن‌الحصول می‌فرماید: «اگر کسی دیگری را بازداشت کند، اگر بازداشت شده اجیر دیگری باشد و قرارداد اجاره‌ای با او بوسیله مجرم و یا شخص دیگری بسته شده باشد؛ در اینجا شکی نیست که منافع فوت شده باید جبران شود او در این نظر نزاعی نمی‌بیند زیرا عقدی بوقوع پیوسته و آن علت اصلی قابل جبران بودن نافع غیرمستوفات انسان است.[۲۲]

و سپس آن را با نفقه زوجه قیاس می‌کند و می‌فرماید: «پس برای اجیر عوض است مانند نفقه زوجه و مراد این است، که نفقه واجب است اگر زوجه تمکین کند، در نتیجه اگر تمکین کند ولی زوج از او تمتع نبرد باز بایستی زوج نفقه و مهریه زوجه‌اش را بدهد. و آنگاه در مورد سایر منافع انسان یعنی اگر عقد اجاره‌ای با انسان بسته نشده باشد و شخص دیگری او را بازداشت غیرقانونی کند) می‌فرماید: «اگر چه غصب در اینجا

---

۱. نائینی، پیشین، ص ۱۹۸

۲. مکارم شیرازی، قواعد فقهیه، جلد اول، قم، چاپ دار العلم، ۱۳۸۲، ص ۷۱

۳. همان، ص ۷۱

۴. حسینی عاملی، سید جواد، مفتاح الکرامه، جلد ۶، بیروت، دار التراث العربی، نشر دارالحیاء، بی تا، ص ۲۲۴

۵. همان، ص ۲۲۴

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-06]

تحقق پیدا نکرده است ولی ضرر علیه محبوس مستقر می‌باشد زیرا جبران منافع از دست رفته باعث دفع مفاسد و ضرر عظیم می‌شود بخاطر اینکه این بازداشت ممکن است سبب فوت عیالش از گرسنگی شود و تازه عمل حابس باعث ظلم عظیمی است و آیه وجواز تعدی بماء اعتدئ و جواز سینه بسینه و آیه مربوط به قصاص و نحو ذلک بر آن دلالت دارد.[۲۳]

یکی از فقها در رابطه با منافع ممکن‌الحصول معتقد است که: امور و چیزهای متعلق به مکلف آنچه مال او به حساب می‌آید اعم از مال یا منافع و همینطور آنچه حق اوست از قبیل حق انتفاع یا حق فسخ یاحق التزام و مطالبه و یا حق الویت و مانند آن و آنچه در عرض و تقدیر است کلا خواه تمام آنها به صورت بالفعل موجود باشند یا بالقوه به این معنی که اگر مانعی پیش نیاید شأن و مقتضای آنها پیدایش است، آیا در ارتباط با آنها معنی ضرر تحقق پیدا می‌کند یا خیر؟ و پاسخ می‌دهد که ما می‌گوییم در آنچه مال است بلاشک ضرر صدق می‌کند و درباره حدوث نقص مالی که به تشخیص عرف برای صاحب مال ضرر محسوب است و شخصی که موجب حدوث ضرر شده سبب آن است و عملش اضرار است.[۴]اکثریت قریب به اتفاق فقهای شیعه منافعی که به صورت ممکن‌الحصول باشد را ضرر می‌دانند و چون در فقه امامیه منافع و سود مال محسوب می‌شود و اینکه کدام یک از منافع از دست رفته ضرر هست و کدام ضرر نیست، از آنجایی که این امر موضوعی است و با توجه به اوضاع و احوال و عرف بایستی بفهمیم که چه چیزی ضرر است و چه چیزی ضرر نیست و آنچه که مهم است، این است که این یک بحث فقاهتی نیست که فقیه اجتهاد کند بلکه این یک امر عرفی است.

۳- شیوه‌های جبران خسارت ناشی از فوت منافع ممکن الحصول

خسارت ناشی از تخلف از انجام تعهد از حیث منشأ دارای دو تقسیم است یکی از جهت منشاء مادی که از این جهت به خسارت تلف مال و خسارت محروم ماندن از منافع اجرای قرارداد تقسیم می‌شود. ممکن است در اثر خودداری متعهد از اجرای تعهد، مالی از اموال متعهدله، به علت تأخیر متصدی تأسیسات در نصب دستگاه گرمازا که مورد تعهد بوده است، مجبور شود مبالغی بیش از هزینه کارگران تأسیسات مزبور، برای تأمین حرارت لازم ساختمان محل نصب دستگاه، صرف کند. این مبالغی اضافی که در حقیقت از دارائی متعهدله خارج شده است خسارت تلف مال محسوب می‌شود که در صورت اجرای به موقع تعهد قراردادی، به متعهدله تحمیل نمی‌شد. همچنین مانند اینکه متصدی رستوران که در قراردادی متعهد شده است غذای میهمانان متعهدله را که مقرر بوده است در روز معینی فراهم و تسلیم نماید که این مبالغ مازاد بر قیمت غذا در حقیقت خسارتی است که منشاء آن از دست رفتن مقداری از اموال متعهدله است که در

۱. همان، ص ۲۲۵

۲. میرفتاح، عبدالفتاح مراغه ای، العناوین الفقهیه، جلد اول، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷، ص ۳۰۸

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-06]

صورت اجراء قرارداد، خسارت مزبور به متعهدله وارد نمی‌شد. همچنین ممکن است منشأ خسارت مزبور، محروم ماندن متعهدله از منافعی باشد که در صورت اجراء تعهد قراردادی عاید او می‌شده است. اینگونه خسارت در اصطلاح، خسارت محروم ماندن از منافع یا به تعبیر هر چند نه کاملا دقیق، خسارت عدم النفع، نامیده شده است. اصطلاح خسارت عدم‌النفع، بر معنایی که از آن اراده می‌شود کاملا منطبق نیست، اما به کارگیری آن در عرف قراردادی آنچنان رواج دارد که در شناخت معنای مذکور برای آن تقریبا تردید نمی‌شود. مطابق ماده ۷۲۸ قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸، که پیش از وضع قانون قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۲۱ فروردین ۱۳۷۹، اجراء شد، متعهد ملزم بود خسارت ناشی از فوت شدن منفعتی را که از انجام تعهد حاصل می‌شود جبران کند.[۵] اما طبق تبصره ۲ ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی، همانطور که قبلاً بیان گردید، خسارت ناشی از عدم‌النفع قابل مطالبه نیست.

به نظر برخی از حقوقدانان[۶] مطابق ماده ۵۱۵ قانون آئین دادرسی مدنی خساراتی که در آینده به متعهد له وارد خواهد شد نیز در صورت تخلف از انجام تعهد از متعهد قابل مطالبه است. به این جهت خسارت از حیث ارتباط با زمان پیدایش به خسارت حال و آینده تقسیم می‌گردد. روشن است که برای امکان مطالبه خسارت آینده، لازم است خسارت مسلم و قطعی باشد و خسارت احتمالی قابل مطالبه نیست. خسارت آینده در نوع تلف مال مثل این است که متعهد طبق قرارداد موظف بر حفر چاه آب و تجهیز وسایل استخراج آن تا اول تابستان به منظور آبیاری محصول کاشته شده متعهد له بوده که تا اول تابستان از حفر چاه خودداری کرده و در این وضعیت مسلم باشد که حتی اگر از اول تابستان، عملیات حفر چاه را آغاز کند، آب حاصل به کشت زمین نخواهد رسید و محصول در اثر بی‌آبی خشک و تلف خواهد شد که در این صورت متعهدله می‌تواند خسارت ناشی از تلف شدن محصول را که قطعا در آینده وارد خواهد شد از متعهد درخواست کند. در قانون مدنی موارد استحقاق خسارت موردنظر ضمن مواد ۲۲۶ تا ۲۳۰ تعیین گردیده است. و ماده ۵۳۶ قانون مدنی راجع به مسئولیت عامل نسبت به کاهش محصول و یا ضرر دیگری متوجه مزارع بر اثر عدم مواظبت عامل در زراعت ایجاد شود ضامن است. برخی دیگر چنین بیان می‌دارند: «منظور ماده ۷۲۸ قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ از فوت شدن منفعت، منفعت محقق می‌باشد و آن عبارت از منفعتی است که در صورت انجام تعهد محققاً به متعهدله عاید می‌شده و در اثر عدم انجام و یا تأخیر، از آن محروم شده است.»[۷] شرایط دعوی مطالبه خسارت حاصل از عدم انجام تعهد عبارت است از:

۱- موضوع تعهد وجه نقد نباشد زیرا در این صورت خسارت تأخیر تأدیه مطالبه می‌گردد نه خسارت عدم انجام تعهد؛

---

۱. شهیدی، پیشین، ص ۶۹

۲. همان، ص ۷۳

۳. امامی، سید حسن، حقوق مدنی، جلد اول، چاپ سی و ششم، تهران، انتشارات اسلامیه، ۱۳۹۴، ص ۲۴۴

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-06]

۲- عدم انجام تعهد یا عدم تسلیم خواسته: خواهان دعوی بایستی ثابت کند که خوانده تعهدی داشته که انجام نداده و یا می‌بایست خواسته را تحویل بدهد و تحویل نداده است و این متعهد است که می‌تواند در مقام دفاع برآید و ثابت کند عدم انجام تعهد ناشی از حادثه خارجی و قهری بوده است؛

۳- ورود ضرر بلاواسطه ناشی از عدم انجام تعهد یا تأخیر آن یا عدم تسلیم محکوم به باشد. یعنی خواهان باید ثابت کند که ضرر به او وارد شده و این ضرر ناشی از اقدام برخلاف تعهد خوانده می‌باشد در حالی که در انواع دیگر خسارت نیازی به اثبات ورود ضرر نداشت.[۲۸]

۱-۳- استرداد عین مال در تلف منفعت

به موجب ماده ۳۱۱ قانون مدنی: غاصب باید مال مغضوب را عیناً به صاحب آن رد نماید. . .» بر خلاف ظاهر ماده، غاصب در انتخاب مثل یا قیمت آزاد نیست، از مفاد ۳۱۲ و ۳۲۹ ق. م چنین استنباط می شود که در مورد مال مثلی، مسئول تلف، عهده‌دار رد مثل است و مالک نیز حق مطالبه قیمت آن را ندارد. البته به اعتقاد برخی از حقوقدانان، دادگاه می‌تواند با استفاده از اختیار ماده ۳ ق. م. م حکم به قیمت کند.[۲۹]هرگاه مال قیمی در محل، غصب شود و غاصب آن را به محل دیگر ببرد و تلف کند، بهای محل غصب مناط اعتبار است، زیرا غاصب باید عین را در محل غصب بدهد، مگر اینکه قیمت محل تلف بیشتر باشد.[۳۰]

تا زمانی که عین مال در دسترس است نه شخص غاصب می‌تواند مال دیگری به جای آن به مالک بدهد و نه مالک این حق را دارد که غاصب را ملزم به پرداختن بهای مال یا تسلیم مال دیگری بنماید مگر این که رد عین؛ تلف آن را به دنبال داشته باشد همچنین اگر قیمت نزول کرده باشد مالک نمی‌تواند به جز عین مال را مطالبه نماید اما در مورد محروم ماندن از منافع، شخص الف مبادرت به غصب یک دستگاه ماشین تایپ متعلق به شخص ب می‌نماید و از استرداد آن به مالک طی مدت سه ماه ممانعت به عمل می‌آورد، این در حالی است که شخص ب بوسیله این دستگاه به کار تایپ اشتغال دارد و با یک شرکت قرارداد منعقد نموده که امور ماشین‌نویسی آن را به مدت سه ماه انجام دهد و مبلغ پانصد هزار تومان به عنوان دستمزد دریافت نماید و در مدت اخیر شخص ب از دسترسی به مال خویش محروم شده و منفعت ممکن‌الحصولی را که در این مدت می‌توانست کسب نماید از دست داده است، در اینجا شخص غاصب به استرداد عین مال مغصوبه محکوم است و مالک نمی‌تواند به جای عین؛ مثل آن را بخواهد مگر در صورت تلف عین، اما در صورتی که عین مال مغصوبه موجود است اما معیوب یا ناقص شده و نیاز به تعمیر دارد آیا برای تعیین منفعت فوت شده ممکن الحصول باید مدت تعمیر را به حساب آورد؟ یا مدتی را که بر حسب عرف و به

---

۱. مدنی، سید جلال الدین، آیین دادرسی مدنی، جلد اول، چاپ سوم، تهران، انتشارات پایدار، ۱۳۹۰، ص ۲۸۳

۲. کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، چاپ چهل و یکم، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۳، ص ۲۵۹

۳. کاتوزیان، الزام های خارج از قرارداد، جلد ۲، پیشین، ص ۲۶۶

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-06]

طور معمول برای تعمیر ماشین تایپ ضروری است؟ تفاوت در موردی بیشتر آشکار است که در اثر خطا یا عدم مهارت تعمیر کار یا با حادثه ناگهانی و خارجی، تعمیر به تأخیر می‌افتد یا بیشتر به درازا می‌کشد، آیا مسئول حادثه باید آن را تحمل کند یا منفعتی است که از جیب متضرر می‌رود؟ بعضی نظام‌های حقوقی مدت متعارف تعمیر را معیار ارزیابی خسارت قرار می‌دهند، اما در بعضی دیگر مسئول را ملزم به جبران منافع مدت واقعی تعمیر می‌نمایند مگر این که سبب تأخیر، تقصیر شخص متضرر باشد.[۱] اما نظر گروه اخیر عادلانه‌تر می‌باشد. زیرا مسئول حادثه در ایجاد آن نقش دارد در حالی که متضرر در این زمینه سهیم نمی‌باشد، اما گاهی مالک از گرفتن عین مال ناقص یا معیب خودداری می‌کند و به جای آن قیمت یا مثل مال را به صورتی که از بین رفته است می‌خواهد آیا این امر امکان‌پذیر است؟ در پاسخ باید گفت اگر بتوان چنین مالی را به صورت اول در آورد مالک می‌تواند الزام کسی را که باعث نقص مالش شده بخواهد ماده ۳۲۹ ق. م در این زمینه بیان می‌دارد: «اگر کسی خانه یا بنای کسی را خراب کند باید آن را مثل صورت اول بنا نماید و اگر ممکن نباشد باید از عهده قیمت برآید» حکم این ماده را می‌توان به موارد دیگری نیز تسری داد ولی اگر طبیعت مال یا نقص وارده به گونه‌ای است که قابلیت تعمیر و ترمیم ندارد عامل ورود ضرر باید مابه التفاوت قیمت مال سالم و معیب را به عنوان ضرر و زیان به متضرر بدهد، یعنی در این حالت مسئول باید مخلوطی از دو شیوه جبران خسارت را به کار برد، هم عین مال ناقص را به زیان دیده مسترد نماید و هم تفاوت قیمت را به عنوان ضرر وارده بپردازد. برخی از حقوقدانان نیز اذعان دارند که اجرای حکم ماده‌ی فوق مختص به بنا و خانه نیست و در تمامی مواردی که شخص به سبب مباشرت یا تسبیب مسئول اتلاف یا نقض مالی قرار می‌گیرد (اعم از منقول یا غیرمنقول) مجری خواهد بود.[۲]

ماده ۳۳۰ ق. م در این زمینه اشعار می‌دارد: «اگر کسی حیوان متعلق به غیر را بدون اذن صاحب آن بکشد، باید تفاوت قیمت زنده و کشته آن را بدهد و اگر کشته آن قیمت نداشته باشد، باید تمام قیمت آن را بدهد». در صورت فوت ضرر زننده، خسارت از ماترک او جبران می‌شود ولی در صورت انتقال شیء زیان زننده، قائم مقام خاص شخص زیان زننده، الزامی به جبران خسارت ندارد.[۳]

اجرای حکم ماده مذکور با مشکلاتی برای زیان دیده همراه است، زیرا متضرر برای اعاده وضع خویش به حالت سابق، باید ابتدا مال ناقص را بفروشد (پیداست که فروش مال معیب با چه مشقتی امکان‌پذیر می‌گردد) و ثمن مأخوذه را با افزودن به تفاوت قیمتی که از مسئول گرفته جهت خرید مثل مال خود به کار برد و شاید به همین دلیل باشد که گاهی در مورد اموال مثلی به متضرر اجازه داده می‌شود که از پذیرفتن مال ناقص خودداری نماید و مثل آن را بخواهد. به عنوان مثال هر گاه یک دستگاه فکس چنان آسیب ببیند

---

۱. یاورآبادی، محمد، مطالبه خسارت ناشی از عدم النفع، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲، ص ۹۷

۲. کاتوزیان، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، پیشین، ص ۳۲۵

۳. بیات، پیشین، ص ۱۸۹

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-06]

که امکان برگرداندن آن به حالت اول نباشد متضرر می‌تواند یک دستگاه دیگری از مسئول مطالبه نماید و دادگاه می‌تواند با استفاده از اختیار مقرر در ماده ۳ ق. م. م، چنین مالی را در حکم تلف شده قرار دهد در اینجا ذکر این نکته ضرورت دارد که اگر در نتیجه مال معیوب بهای آن کاسته شود مانند این که قیمت دستگاه فکس آسیب دیده در اثر تعمیر کاهش یابد بی‌گمان کاهش ارزش آن را باید به هزینه تعمیر بیفزائیم اما در موردی که تعمیر مال یا دادن مثل، نفعی به زیان دیده می‌رساند و مال را در شرایط بهتری قرار می‌دهد، کاهش خسارت به معنی ایجاد الزام متضرر به پرداخت تفاوت قیمت مال فرسوده و تعمیر شده است و با اطلاق الزام مسئول به تعمیر و دادن مثل مخالف است.[۳۴]

۲-۳- جبران خسارت از راه دادن بدل در تلف منفعت

هدف جبران خسارت برگرداندن وضع زیان دیده به حالت قبل از ورود ضرر است بنابراین علاوه بر از بین بردن منبع ضرر تا جایی که امکان دارد باید زیان‌های گذشته نیز جبران شود.[۳۵]

مطابق ماده ۹۵۰ ق. م. «مثلی عبارت از مالی است که اشتباه و نظایر آن نوع زیاد و شایع باشند مانند حبوبات و نحو آن و قیمتی مقابل آن است. مع ذلک تشخیص این معنی با عرف است». وجه تسمیه مال مثلی این است که در صورت تلف مال، متعهد باید مثل آن را تسلیم کند و در مقابل، اصطلاح قیمی، بدین خاطر است که در صورت تلف مال، متعهد باید قیمت آن را بپردازد. برای تعیین مثلی یا قیمی بودن مال، در الزامات خارج از قرارداد، باید به ماهیت عرفی اشیاء توجه کرد. (قسمت اخیر ماده ۹۵۰) ولی در روابط قراردادی باید قصد مشترک طرفین را نیز مد نظر قرار داد.

هرگاه مال تلف شده مثلی باشد طبیعتا جبران خسارت از طریق دادن مثل امکان‌پذیر است و این امری است که مورد تأیید شرع و رویه قضایی که خود برگرفته از شرع انور است می‌باشد با وجود این اگر چه تأکید بر دادن مثل ناظر به اندازه و میزان تعدی می‌باشد نه چگونگی مال ولی در بیشتر مواقع با دادن مثل، خسارت عرفا جبران می‌شود ولی اگر مثل مال ارزش نداشته باشد با دادن مثل مال، خسارت جبران نشده و همچنان باقی می‌باشد. فلسفه این که مالی مثلی را با دادن مثل باید جبران نمود این است که با پرداخت مثل مال بهتر می‌توان جبران خسارت نمود و بدین وسیله بهتر می‌توانیم وضع زیان دیده را به حالت پیشین در بیاوریم. ولی در جبران زیان بوسیله مثل مشکل این است که ممکن است برای مدتی مثل نایاب شود و یا هنگام پرداخت، مال مثلی از مالیت بیفت؟ برخی از اساتید با استفاده از حکم ماده ۳۱۲ ق. م درباره مسؤلیت

---

۱. فرهادیان، موسی، مسئولیت مدنی، چاپ اول، تهران، انتشارات عدل گستر، ۱۳۷۹، ص ۷۲

۲. قاسم زاده، سید مرتضی، الزام ها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد، چاپ پنجم، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۷، ص ۱۶۹

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-06]

غاصب است گفته‌اند مفاد حکم درباره مسؤلیت مدنی نیز اجرا می‌شود و به مالک باید قیمت حین الاداء پرداخت شود زیرا تعذر رد مثل سبب تبدیل تعهد به قیمت نمی‌شود.[۳۶]

هرگاه مال در محل غصب مثلی و در محل تلف، قیمی باشد، غاصب باید رد مثل کند و مالک حق ندارد او را ملزم به پرداخت قیمت کند، زیرا هدف از الزام غاصب، جبران خسارت مالک است که با دادن مثل، محقق می‌شود. ولی اگر مال در محل غصب قیمی و در محل تلف مثلی باشد، اختیار دادن مثل یا قیمت با غاصب است.[۳۷]منظور از عبارت مثل آن پیدا نشود این است که مال مغضوب در محل غصب و اطراف آن به نحوی که عادتاً بتوان از آنجا تهیه و به محل تأدیه منتقل کرد، به دست نیاید.[۳۸]

لذا می‌توان نتیجه گرفت که اگر شخص مالی را غضب نموده و در هنگام اداء آن مال نایاب شود در این صورت غاصب باید قیمت حین الأداء را بدهد اگر چه قید حین الاداء خیلی کمتر از قیمت هنگام غصب باشد، ولی اگر مال از مالیت بیفتد باید آخرین قیمت آن به مال باخته پرداخت شود، بحثی که در اینجا مطرح است این است که در قانون فقط موارد مربوط به غصب صراحتا بیان شده پس در خصوص سایر موارد تکالیف چیست؟ و در دیگر موارد ورود خسارت و تلف منفعت و عدم‌النفع، راه حل قضیه چگونه است؟ یکی از اساتید حقوق بر این نظر است که: «از این جهت فرقی بین غصب با سایر اسباب مسؤلیت و حکم به جبران خسارت وجود ندارد و مفاد ماده ۳۱۲ با وحدت ملاک در سایر موارد نیز جاری است؟» ترقی قیمت عرفهٔ منفعت مسلم می‌باشد و آن را قابل جبران می‌دانند پس اگر قیمت مال مثلی هنگام غصب ۲۰ تومان باشد و در جریان غصب ۴۰ تومان و هنگام نایابی ۱۰ تومان باشد طبق نظر قانونگذار، غاصب باید ۱۰ تومان بدهد و بری الذمه شود در حالی که در این‌گونه موارد ترقی نرخ مال عرفهٔ منفعت مسلم محسوب می‌شود، غاصب سبب عدم‌النفع مالک شده است و ما موارد مربوط به اتلاف و تسبیب را نباید با مواد غصب وحدت ملاک بگیریم زیرا قیاس در این مورد برخلاف اصول تفسیر قضایی است.[۳۹]

به نظر رسد نظر دوم صحیح‌تر می‌باشد چرا که این نظر با عدل و انصاف سازگاری بیشتری دارد و عدل و انصاف حکم می‌کند که در این‌گونه موارد عامل واردکننده خسارت به بالاترین نرخ جبران ضرر و زیان محکوم و مجبور شود.

---

۱. قاسم زاده، پیشین، ص ۱۶۵

۲. کاتوزیان، الزام های خارج از قرارداد، پیشین، ص ۴۰۷

۳. صفایی، حسین، مسئولیت مدنی، چاپ دوم، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۹۰، ص ۳۳

۴. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، حقوق تعهدات، جلد اول، چاپ پنجم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳، ص ۸۲

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-06]

نتیجه گیری:

با بررسی نتایج بدست آمده از این تحقیق می‌توان اذعان داشت که فوت منافع ممکن الحصول در مقررات مختلف ضرر به شمار آمده که بر اساس قواعد فقهی و با توجه به قاعده لاضرر، و با استناد به اصل ۱۷۱ قانون اساسی، قانون مسئولیت مدنی، قانون مدنی و قانون آیین دادرسی کیفری، خسارت ناشی از فوت منافع ممکن الحصول باید جبران گردد و رویه محاکم قضایی نیز بر جبران خسارت بوجودآمده می‌باشد. خسارت ناشی از فوت منافع ممکن الحصول باید به طریقی جبران گردد که گویی اصلاً زیانی به بار نیامده است، باید در نظر داشت که جبران خسارت محقق تنها از طریق پرداخت پول به عنوان معادل آنچه فوت شده، همیشه ممکن نیست. چرا که اقداماتی که برای از بین بردن موقعیت زیانبار انجام می‌شود، در واقع ناظر به منبع ضصرر است نه جبران خود آن، اما نباید پذیرفت که جبران ضرر و زیان وارده تنها، از طریق دادن پول ممکن است. گاهی چون اعاده وضع به صورت قبلی خود میسر نیست ارزشی معادل آنچه فوت شده به دارایی متضرر افزوده می‌گردد. هدف از ایجاد مسئولیت مدنی این است که تا جایی که امکان دارد هیچ ضرر و زیانی جبران نشده باقی نماند، پس زمانی که امکان جبران خسارت به طرق دیگر در اعاده وضع متضرر به حالت سابقش امکان دارد نمی‌توان با دادن پول که راحتترین شیوه است از عامل ورود ضرر رفع مسئولیت نمود. البته این شرط زمانی محقق می‌شود که رضایت طرفین در میان نباشد. اگر دو طرف به هر صورتی با یکدیگر در خصوص جبران خسارت ناشی از فوت منافع ممکن‌الحصول با یکدیگر توافق نمایند و حتی این توافق نیز ناشی از پرداخت پول باشد موردی ندارد و دادگاه نیز این مجوز را دارد که میزان زیان و نحوه جبران خسارت را با توجه به اوضاع و احوال قضیه تعیین نماید. البته قاضی می‌تواند برای محاسبه خسارت ناشی از منافع از دست رفته ممکن‌الحصول، به اوضاع و احوال، وضع مالی، معلومات، توانایی‌ها و منشاء منافع توجه نماید و یا اینکه این امر را به کارشناس ارجاع دهد.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-06]

فهرست منابع و مآخذ

ـ آشوری، محمد، (۱۳۸۸)، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، ویراست پنجم، تهران، انتشارات سمت.

ـ امامی، سید حسن، (۱۳۹۴)، حقوق مدنی، جلد اول، چاپ سی‌وششم، تهران، انتشارات اسلامیه.

ـ بیات، فرهاد، (۱۳۹۴)، شرح جامع قانون مدنی، چاپ هفته، تهران، انتشارات ارشد.

ـ جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۷۳)، حقوق تعهدات، جلد اول، چاپ پنجم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

ـ حیاتی، علی‌عباس، (۱۳۹۲)، آیین دادرس مدنی در نظم حقوقی کنونی، چاپ سوم، تهران، نشر میزان.

ـ حائری شاه باغ، سیدعلی، (۱۳۲۴)، اصول آیین دادرسی کیفری، چاپ اول، تهران، انتشارات توحید.

ـ حسینی عاملی، سیدجواد، (بی‌تا)، مفتاح الکرامه، جلد ۶، بیروت، دار التراث العربی، نشر دارالحیاء.

ـ خاتمی، فرید، (۱۳۷۸)، الزامات و تعهدات قراردادی، چاپ اول، تهران، نشر نور علم.

ـ درودیان، حسنعلی، (۱۳۸۵)، جزوه درس حقوق مدنی ۴، دوره کارشناسی، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

ـ شهیدی، مهدی، (۱۳۹۵)، آثار قراردادها و تعهدات، حقوق مدنی، جلد سوم، چاپ هفتم، تهران، انتشارات مجد.

ـ شیرویی، عبدالحسین، (۱۳۸۰)، نقد و بررسی مقررات آیین‌دادرسی مدنی راجع به مطالبه خسارت قراردادی و تأخیر تأدیه، مجله مجتمع آموزشی قم، شماره ۹.

ـ صفایی، حسین، (۱۳۹۰)، مسئولیت مدنی، چاپ دوم، تهران، انتشارات سمت.

ـ طباطبایی، سیدعلی، (۱۴۰۴)، ریاض المسائل فی بیان احکام‌الشرع بالدلائل، جلد ۱۲، قم، موسسه آل بیت (ع).

ـ عیسایی تفرشی، محمد، (۱۳۹۰)، تفویت منفعت مالک، ضابطه‌ای برای جبران خسارت ناشی از نقض حق اختراع در حقوق ایران و آمریکا، مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی، شماره ۳.

ـ فرهادیان، موسی، (۱۳۷۹)، مسئولیت مدنی، چاپ اول، تهران، انتشارات عدل گستر.

ـ فقیه تخجیری، حسن، (۱۳۷۴)، دعوی خصوصی در دادگاه جزا، رساله دکتری، دانشگاه تهران.

ـ قاسم‌زاده، سید مرتضی، (۱۳۸۷)، الزام‌ها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد، چاپ پنجم، تهران، نشر میزان.

ـ کاتوزیان، ناصر، (۱۳۹۳)، الزام‌های خارج از قرارداد، مسئولیت مدنی، ج۲، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

ـ کاتوزیان، ناصر، (۱۳۹۳)، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، چاپ چهل و یکم، تهران، نشر میزان.

ـ کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۵)، دوره مقدماتی حقوق مدنی، وقایع حقوقی، چاپ دهم، تهران، شرکت سهامی انتشار.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-06]

ـ کاظمی، محمود، (۱۳۸۰)، نظریه از دست دادن فرصت در مسئولیت مدنی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۵۲.

ـ محقق داماد، سید مصطفی، (۱۳۸۱)، قلمرو مسئولیت مدنی ناشی از تخلف از اجرای تعهد، فصلنامه مفید، شماره ۳۳.

ـ مدنی، سید جلال الدین، (۱۳۹۰)، آیین دادرسی مدنی، جلد اول، چاپ سوم، تهران، انتشارات پایدار.

ـ مقدم، الهام، (۱۳۹۴)، منافع ممکن‌الحصول و قطعی‌الحصول در حقوق ایران و فقه امامیه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر قدس.

ـ مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۲)، قواعد فقهیه، جلد اول، قم، چاپ دار العلم.

ـ میرفتاح، عبدالفتاح مراغه ای، (۱۴۱۷)، العناوین الفقهیه، جلد اول، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

ـ نائینی، محمدحسین، (۱۴۱۳)، منیه‌الطالب، جلد ۲، قم، موسسه النشر الاسلامیه.

ـ یاورآبادی، محمد، (۱۳۷۲)، مطالبه خسارت ناشی از عدم‌النفع، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه تهران.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-06]